

فتوحات مكيه

الفتوحات المكيه في معرفة اسرار المالكيه والملكيه

شيخ اكبر محيي الدين
ابن عربي



مقدمه، ترجمه و تعليق : محمد خواجهوي



مقامات
وصايا
باب ٥٦٠
جلد هفدهم



انتشارات مولی

فهرست مطالب

مقدمه

(پانزده - هفده)

دفتر سی و ششم از فتح مکی

(۳ - ۱۸۹)

باب پانصد و شصتم

وصیتی حکمت‌آمیز که مرید سالک و واصل از آن بهره‌مند می‌گردد

«باب وصایا»

(۳ - ۳۷۸)

- ۴ ۱. وصیت: خداوند در سفارشی عام فرمود «شرع لکم من الدین...»
- ۵ ۲. وصیت: تا طاعتی انجام نداده‌ای از مکان معصیت خارج نشود
- ۷ ۳. وصیت: به پروردگارت حُسن ظن داشته باش
- ۸ ۴. وصیت: بر شما باد به ذکر خدا در پنهان و آشکار
- ۹ ۵. وصیت: در هر زمان و حالی بر خطاب حق تعالی استقامت بورز
- ۱۰ ۶. وصیت: نفست را حدیث به عمل خیر کن
- ۱۳ ۷. وصیت: به کلمه اسلام استقامت بورز
- ۱۶ ۸. وصیت: از دشمنی با اهل «لا اله الا الله» برحذر باش
- ۱۸ ۹. وصیت: بر تو باد به ملازمه آن‌چه خداوند بر تو واجب ساخته
- ۲۱ ۱۰. وصیت: بر تو باد به مراعات اقوال به مانند اعمال
- ۲۳ ۱۱. وصیت: بپرهیز از این که صورتی را که شأنش روح داشتن است نقش نمایی
- ۲۴ ۱۲. وصیت: بر تو باد عیادت بیماران

دفتر سی و ششم از فتح مکی

بسم الله الرحمن الرحيم

باب پانصد و شصتم

وصیتی حکمت آمیز که مرید سالک و واصل - و هرکس بر آن واقف گشت -

با خواست الهی از آن بهره مند می گردد

«باب وصایا»

وصی الاله و اوصت رسله فلذا
لولا الوصیة كان الخلق في عمه
فاعمل عليها ولا تُهمَل طریقتها
ذکرتُ قوماً بما اوصی الاله به
فلم یکن غیر ما قالوه او شرعوا
فهدى احمد عین الدین اجمعه
لم تطمس العین بل اعطته قوتها
و خذ بسرک عنه من مراکزہ
الى الثوابت لا تنزل بساحتها
و منه للقدم الكرسي ثم الى
1

كان التأسى بهم من افضل العمل
و بالوصیة دارالملک فی الدول
ان الوصیة حکم الله فی الازل
و لیس احداث امرٍ فی الوصیة لی
من السلوک بهم فی اقوم السبیل
و ملّة المصطفى من انور الملل
حتى یقیم الذی فیہ من المیل
علواً الى القمر العالی الى زحل
و انهض الى الدرّج العالی من الحمل
العرش المحیط الى الاشکال والمثل

الى الطبيعة للنفس النزيهة للعقل
الى العماء الذى ما فوقه نفس
وانظر الى الجبل الراسى على الجبل
لولا العلوّ الذى فى السُّفلِ ما سفلت
لذلكم شرع الله السجود لنا
هذى وصيّتنا ان كنت ذا نظير
ترى بها كل معلوم بصورته
حتى تر المنظر الاعلى و ليس له
فان دعاك الى عينِ مشربها
إِنَّا اناث لما فينا يولده
ان الرجال الذين العرف عينهم

المقيد بالاعراض و العليل
منه الى المنزل المنعوت بالازل
و قد رآه فلم يبرح و لم يزل
وجوهنا تطلب المرأى بالمقل
فنشهد الحق فى علو و فى سفل
فانها حيلة من احسن الحيل
على حقيقة ما هو لاعلى البدل
سواك مجلى فلا تبرح و لا تزُل
فلاتحبه و كن منه على و جل
فلنحمد الله ما فى الكون من رُجل
هم الاناث و هم نفسى و هم املى

۱

وصييت

۲ از آن جمله سفارش وصييتى است كه خداوند در سفارشى عام فرموده: «شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا» = شرع و آيينى را كه خداوند براى شما مقرر داشته است همان چيزى است كه به نوح سفارش كرد و همان را به تو وحى كرديم و ابراهيم و موسى و عيسى را نيز سفارش كرديم كه اين دين را به پا داريد - ۱۳ / شورى» پس خداوند فرمان به اقامه دين داده و آن، در هر زمان و كيشى شرع همان زمان است، و اينكه بر آن اجتماع شود و در آن تفرقه نشود، زيرا دست خدا همراه با جمع و جماعت است، گرگ گوسپند جدا افتاده از گله را مى درد و از جماعت كنار مى كشد.

۳ و حكمت آن بدین گونه است كه خداوند تعقل نمى شود مگر از حيث اسمای حسنايش، نه از آن حيث كه از اين اسمای حسنا معرّاست، پس ناگزير از توحيد عينش و كثرت اسمایش مى باشد و به مجموع، او اله است، بنابراین دست خدا عبارت از قوه است